

# اصلاح الگوهای آموزش قرآن

## رضا نباتی - کارشناس ارشد تعلیم و تربیت اسلامی و کارشناس و مؤلف کتاب‌های درسی قرآن دوره ابتدایی وزارت آموزش و پرورش

اصلاح الگویی مصرف تنها در آب و برق و امثال آن نیست، بلکه می‌تواند معانی و مصادیق فراوان دیگری را نیز شامل شود. اصلاح الگوهای آموزشی و تربیتی یکی از این مسائل است. بازنگری در شیوه‌های آموزشی می‌تواند جلوی هدر رفتن وقت معلمان و متعلمان و همچنین حیف و میل بسیاری از اعتبارات موجود را بگیرد. از آن جمله می‌توان به اصلاح شیوه‌های آموزش قرآن کریم در کشور اشاره کرد. امید است این نوشته بتواند نقشی هرچند کوچک اما مفید در اصلاح روش‌های آموزش و شیوه‌های تدریس قرآن کریم کشور ایفا کند. انشاءالله

### ۱- بازنگری در مبانی آموزش و فعالیت‌های قرآنی کشور

اغلب اوقات اصول، اهداف، رویکردها و کلیات آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی مفروض گرفته شده و بی آن که توجه جدی به مسأله برنامه‌ریزی آموزشی و درسی بشود، فعالیت‌های پرهزینه ولی کم‌بازده صورت می‌گیرد و در آخر خستگی را بر جان مربی و قرآن آموز برجای می‌گذارد.

#### برای مثال:

۱- نبود شناخت لازم مدیر مدرسه و معلم از اهداف، اصول و رویکردهای آموزش قرآن در هر یک از دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی، باعث می‌شود تا نظام آموزشی در مقاطع تحصیلی به اهداف و استراتژی‌های قصد شده دست پیدا نکند.

- این که هدف از آموزش در هر یک از پایه‌های تحصیلی چیست و دانش آموزان در پایان سال تحصیلی باید به چه توانایی‌هایی دست پیدا کنند؟
- این که تعریف ما از هر یک از اهداف قصد شده چیست؟ مثلاً منظور ما از توانایی روخوانی چیست و چه تفاوتی با روان‌خوانی دارد؟
- در آموزش قرآن باید به چه رویکردهایی توجه کرد؟
- چه اصولی بر این برنامه درسی حاکم است؟
- الگوهای مناسب تدریس کدامند؟
- معلم باید دارای چه حداقل‌هایی از صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای در زمینه آموزش باشد؟
- نقش مدیریت، نظارت بر حسن اجرا در ارتقای آموزش چقدر باید مورد توجه قرار گیرد؟
- والدین چه نقشی در پیشبرد برنامه درسی دارند؟
- معلم و مدیر و والدین خودشان چقدر با قرآن انس دارند؟

این‌ها عناصر یک برنامه درسی و آموزشی هستند که به مثابه دانه‌های تسبیح باید با یک نخ ارتباطی به هم وصل باشند. بدون ارتباط هر یک از این عناصر با کل مجموعه، آموزش به همان اندازه دارای افت خواهد بود.

### ۲- توجه به فرهنگ آموزش قرآن

امروزه در دنیا و به ویژه کشورهای پیشرو به مقوله آموزش به عنوان یک رویداد فرهنگی نگاه می‌شود. آموزش و پرورش کشور زاین نمونه بارز این مطلب است.

توجه به فرهنگ آموزش قرآن در کشورهای مشرق زمین یک نیاز اساسی است؛ زیرا که این کشورها از جمله ایران، بسیاری از رفتار و حتی افکار خود را از فرهنگ دینی و مذهبی، ادبیات، عرفان خود به دست می‌آورند. بی توجه به فرهنگ سازی در امر آموزش و یادگیری باعث می‌شود که تعلیم و تربیت از عمق لازم برخوردار نباشد و به مرور کار خود را از دست بدهد. اساس موفقیت پیامبر اعظم (ص) و بزرگان دینی و همچنین آیات روح بخش قرآن توجه ویژه به عامل فرهنگ سازی است.

برای مثال به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- شما کودک خود را برای یادگیری نماز به مسجد یا مدرسه می‌فرستید. او در مدت کوتاهی با درست‌خوانی، فصیح‌خوانی، تلفظ حروف خاص عربی، ترجمه عبارات نماز، آداب و شرایط و احکام عملی

نماز آشنا می‌شود، اما این کودک در این آموزش‌ها به این مسأله نمی‌رسد که باید در زندگی خود نماز بخواند. از شما می‌پرسم آیا این آموزش موفق بوده است؟

۲- خدای رحمان درسوره جمعه، آیه ۲ می‌فرماید: «هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين». در این آیه و آیات مشابه به پیامبر اکرم (ص) گفته شده است تا او پیش از آن که کتاب و حکمت را به دیگران بیاموزد، خود تلاوت کننده قرآن باشد (یتلو علیهم آیاته). از شما می‌پرسم: آیا عموم شهروندان مسلمان کشور ما، از انس همیشگی با قرآن برخوردار هستند؟

آیا از رجال سیاسی و فرهنگی مملکت گرفته تا معلمان و مدیران مدارس و اولیای دانش آموزان ارتباط و انس روزانه با قرآن کریم دارند؟ فراموش نکنیم همه ما از آن جهت نماز خوان شدیم که از همان دوره طفولیت چشم خود را باز کردیم و پدر و مادرمان را مشغول نماز دیدیم؛ پدر و مادر خود را مشغول خوردن سحری دیدیم، در حالی که رادیو دعای سحر را زمزمه می‌کرد، پس همه ما روزه‌گیر شدیم. از شما می‌پرسم کودکان ما چند بار ما را مشغول خواندن قرآن دیده‌اند؟

اجرای طرح تلاوت نور در مساجد کشور از طرح‌های موفق است که در راستای ایجاد فضای مناسب برای انس همیشگی و روزانه احاد مردم با قرآن کریم نقش کارسازي دارد و باید مورد توجه و تعمیم قرار گیرد؛ و یا مراسم قرآن آغازین مدارس در فضاسازی قرآنی مدارس اثر چشم‌گیری می‌تواند داشته باشد. این مهم به برنامه‌ریزی نیاز دارد.

### «ثبت ثم النقش»

هر ساله اعتبارات میلیونی و میلیاردي صرف آموزش عمومي قرآن کریم در جامعه می‌شود. منظور از آموزش‌های عمومي آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم است. مثلا آموزش و پرورش در طول سال‌های متعددی برای معلمان آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن برگزار کرده است؛ یا آموزش عالی برای دانش‌جویان فوق دیپلم تا فوق لیسانس یک واحد آموزش روخوانی برگزار می‌کند. یا نهضت قرآن آموزی در قالب مؤسسات متعدد قرآنی اقدام به تشکیل کلاس‌های آموزش روخوانی قرآن می‌کند. ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و تشکله‌ها و مؤسسات قرآنی مردمی نیز همین کار را انجام می‌دهند؛ این‌ها همه خوب است اما از شما می‌پرسم آیا واقعا مشکل مردم ما این است که قرآن بلد نیستند؟ و یا اساسا مردم قرآن نمی‌خوانند؟...

این یک واقعیت است که مردم ما با این که خود را به حقیقت مدافع و جان نثار قرآن می‌دانند اما قرآن نمی‌خوانند مقام معظم رهبری در همین زمینه می‌فرماید: «واقعیت تلخ اینجاست که قرآن هنوز در جامعه ما يك امر عمومي نشده است. همه به قرآن عشق می‌ورزند، احترام می‌کنند، اما عده کمی همواره آن را تلاوت می‌کنند و عده کمتری در آن تدبر می‌کنند.»

### چه باید کرد؟

مقام معظم رهبری درکنار این واقعیت تلخ، حقیقت شیرینی را بیان فرموده‌اند: «اگر تحصیل کرده‌ها و فرهیختگان کشور روزی يك صفحه قرآن با توجه به معنا بخوانند و در آن تدبر کنند، غوغایی در کشور برپا می‌شود؛ این کار به فرهنگ سازی و تدبیر نیاز دارد.» ایشان این جمله را در دیدار با اعضای محترم شوراي عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۱۶ فرمودند و این که شوراي عالی انقلاب فرهنگی درباره مطالبه به حق مقام معظم رهبری چه تدابیری اندیشیده است؟ نیاز به مجال دیگری دارد(!)

همان گونه که گفته شد برای آموزش عمومي قرآن کریم در کشور هزینه‌ها فراوانی می‌شود، اما با کمی دقت و توجه متوجه می‌شویم که اگر این نوع آموزش‌ها مبتنی بر ایجاد انس مستمر با قرآن کریم نشود، از پایه زاید و موجب حیف و میل اعتبارات دولتی می‌شود، زیرا شما نمی‌توانید يك نفر ایرانی را پیدا کنید که با عموم قواعد مورد نیاز خواندن ساده قرآن آشنایی نسبی نداشته باشد.

### ۲- چگونه قرآن بیاموزیم؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین ماه مبارک رمضان ۸۶ سه اشکال را به فعالیت‌های قرآنی کشور وارد دانستند، از آن جمله فرمودند: «قرآن را نه برای ختم کردن و به پایان رساندن و نه برای نکته‌برداری و استفاده از آن در سخنرانی‌ها، بلکه برای دل خود بخوانیم و مانند کسی که برای یافتن داروي درد خود به داروخانه می‌رود، دنبال دواي دردهایمان در قرآن باشیم. هدایت ثمره قرآن است.»

آموزش روخوانی و روان‌خوانی صرف و یا کلاس حفظ قرآن یا آموزش خواندن هر يك به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای گوناگون دانش آموزان و فراگیران باشد. امروزه نظریه «هوش‌های متکثر» ثابت می‌کند که یادگیری يك مطلب در افراد گوناگون از راه‌های متعددی صورت می‌پذیرد. «هر کس از طن خود شد یار من»؛ بنابراین، آموزش قرآن کریم نیز از این قاعده مستثنی نیست. پس می‌توانیم به جای این که مراتب آموزش قرآن را در طول هم ببینیم؛ در عرض و کنار هم دیده شود تا به وسیله این کار ضمن ارایه پاسخ

مثبت به نیازهای متعدد مخاطبان، برجذابیت آموزش نیز افزود. در این شیوه از آموزش، جامعیت آموزش قرآن کریم مد نظر است. هدف آموزش جامع قرآن دستیابی آحاد مردم جامعه به سواد قرآنی است.

### سواد قرآنی چیست؟

امروزه حدی از دانش و مهارت را در همه حوزه‌های علمی و معرفتی، برای عموم مردم لازم می‌دانند. این حد را سواد و محرومیت از آن را «بی سواد» می‌نامند و علاوه بر سواد خواندن و نوشتن، اصطلاحاتی همچون سواد بهداشتی، سواد ارتباطات و اطلاعات، سواد ریاضی، سواد علمی - فناورانه و... رایج است.

اکنون با این پرسش روبه رو هستیم که با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت اسلامی و نقش یگانه قرآن کریم در این تربیت، آحاد جامعه باید از قرآن کریم چه سهم و حظی داشته باشند تا بتوان آنان را از سواد قرآنی بهره‌مند دانست. سوادی که بتواند زمینه ساز مادام العمر از قرآن کریم باشد. باتوجه به آنچه بیان شد سواد قرآنی این گونه تعریف می‌شود: «سواد قرآنی، دانش و مهارت پایه و اعتقاد و علاقه بهادگیری قرآن... برای بهره‌گیری مستمر و مادام العمر از قرآن کریم است.»

### **ویژگی‌های سواد قرآنی**

۱- سواد قرآنی یک نیاز همگانی است. همه افراد جامعه با هر وضع اقلیمی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی و... برای آن که هویت انسانی - الهی خویش را بشناسند، از آن مراقبت کنند و زمینه شکوفایی تدریجی آن را فراهم آورد، به سواد قرآنی نیازمند هستند.

۲- سواد قرآنی از یک حد پایه برخوردار است. هرچند افراد با توجه به تفاوت‌هایی که در تحصیلات، سن، شرایط اقتصادی و اجتماعی دارند به سطوح گوناگونی از سواد قرآنی نیازمند هستند، ولی بهره‌مندی عموم از یک حد پایه ضروری است.

۳- حد سواد قرآنی در زمان در حال تغییر است. با توجه به شرایط و امکانات گوناگون در هر جامعه و نیز تغییرات این شرایط در طول زمان، این حد، نیازمند شناسایی و تعریف خاص است.

۴- حداقل سواد قرآنی منجر به خواندن مستمر قرآن کریم، فهم تدریجی معنای عبارات و آیات آن شده و زمینه ساز بهره‌گیری مادام العمر از آموزه‌های الهی می‌شود. هدف آموزش عمومی قرآن، نمی‌تواند صرفاً دستیابی به دانش و مهارت خاصی در ارتباط با قرآن کریم باشد، بلکه باید توانایی و قابلیت‌های فراهم آورد که فرد بتواند با انس و ارتباط همیشگی با قرآن کریم، پیوسته خود را در معرض تزکیه و تعلیم الهی قرار دهد. مهمترین هدف آموزش قرآن در آموزش و پرورش، دستیابی دانش آموزان به سواد قرآنی است. با توجه به آنچه درباره سواد قرآنی بیان شد، به طور خلاصه آموزش قرآن در آموزش و پرورش بر چهار وجه یک هرم استوار است:

وجه نخست: آموزش خواندن قرآن کریم (دوره ابتدایی شامل روخوانی و روان‌خوانی)

وجه دوم: آموزش درک معنای عبارات و آیات ساده و پرکاربرد قرآن کریم (دوره راهنمایی)

وجه سوم: آموزش شیوه‌های تدبیر در آیات قرآن (دوره متوسطه)

وجه قاعده: انس با قرآن کریم: لازمه موفقیت موارد فوق و همچنین میوه و جوه سه‌گانه بالاست.

گفتنی است که انس با قرآن کریم و علاقه به یادگیری آن، هم یک رکن از سواد قرآنی و هم ضامن بقا و توسعه دو رکن دیگر است. اگر سواد قرآنی به دستیابی به این جزء منجر نشود، نه تنها ضمانتی برای دوام سه رکن دیگر وجود ندارد، بلکه ضرورت و فلسفه آموزش قرآن ناکام می‌ماند.

۵- فعالیت‌های فوق برنامه باید مکمل برنامه درسی قرآن باشد.

دانش‌آموزان در حالی در مسابقات قرآنی و معارف اسلامی شرکت می‌کنند که محتوای پیش بینی شده مسابقه را در مدرسه آموزش نمی‌بینند. در مقابل محتوای کتاب‌های درسی قرآن و دینی و دیگر کتب که با دقت‌های فراوان از سوی پژوهش‌گران دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی طراحی و متناسب با نیازها و علائق دانش‌آموزان در کتب درسی قرار می‌گیرند، کمتر مورد مسابقه هستند.

برای مثال: مسابقات قرائت و حفظ قرآن که يك فعالیت قرآنی از نوع تخصصی است هیچ‌گاه از اهداف کلان آموزش و پرورش نبوده و نیست و در مقابل کسب مهارت روخوانی و روان‌خوانی قرآن به عنوان اهداف اصلی آموزش قرآن در دوره ابتدایی است. چه خوب است مدیر و مربی مدرسه در کنار برگزاری مسابقات قرائت و حفظ قرآن، مسابقه روخوانی قرآن کامل (برای کلاس‌های اول تا سوم) و روان‌خوانی قرآن کامل (برای کلاس‌های چهارم و پنجم) برگزار کند و یا در دوره راهنمایی به مسابقه روان‌خوانی (ترتیل آموزشی) و درک و فهم آیات و عبارات قرآنی آن هم به صورت همراه اهمیت داده شود و در دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی به تدبیر در آیات قرآن که از اهداف و رویکردهای برنامه‌های درسی دوره‌های تحصیلی است توجه شود.

۶- مهارت آموزی به جای قاعده آموزش

همان‌گونه که در بند سوم گفته شد، علت مهجوریت قرآن در جامعه این نیست که افراد با قواعد روخوانی و روان‌خوانی آشنا نیستند، بلکه اشکال در این است که اصولاً افراد با قرآن مانوس نیستند و باید برای این مسأله فکری کرد. یکی از راهکارهای مهم در این زمینه توجه به مهارت‌آموزی به‌جای قاعده‌آموزی است.

در همایش‌های موفق و معتبر قرآنی کشور روش حاکم مهارت‌آموزی است. یعنی استاد در صدر جلسه می‌نشیند و افرادی که به حلقه انس با قرآن نشسته‌اند هر یک چند آیه می‌خوانند و استاد اشکالات آنان را به صورت موردی و تلگرافی برطرف می‌کند. «آنچه رخ می‌دهد، خواندن قرآن است.» اما در دیگر کلاس‌های قرآن این قواعد قرآن هستند که محور آموزش هستند، معلم ارتباط یکسویه با دانش آموز داشته و معمولاً متکلم وحده است و آنچه بیش از همه مورد غفلت قرار می‌گیرد، این است که «قرآن کمتر خوانده می‌شود. این اشکال از دو مسأله ناشی شده است: نخست از نظام مدرسه‌ای که در آن عموم دروس بر پایه قاعده آموزشی یاد داده می‌شوند و دوم تأثیر کتاب‌هایی است که برای آموزش قرآن نوشته شده است و از آنجا که در کشور ما اغلب آموزش‌ها کتاب محور است، همین روش‌ها از کتاب به معلم منتقل می‌شود.

## ۶- کار را که کرد؟ آن که تمام کرد.

مهمترین عاملی که باعث می‌شود تا موفقیت‌های به دست آمده متناسب با اهداف قصد شده نباشد، اجرا نشدن و یا اجرای ناقص برنامه درسی است. در برنامه درسی قرآن چهار عامل مهم زیر باید در عرض هم اجرا شوند تا اهداف محقق شود.

۱-۶. معلمان و مربیان مدارس باید با عناصر و اجزای برنامه درسی آموزش قرآن آشنا شوند و مهارت لازم را در آموزش قرآن به دست آورند.

۲-۶. وسایل آموزش از قبیل لوح آموزشی، نوار آموزش قرآن معلم و دانش آموز، کتاب راهنمای تدریس معلم، ضبط صوت باید فراهم شود تا آموزش با اختلال روبه‌رو نشود.

۳-۶. به نقش خانواده در آموزش توجه شود. بیش از یک پنجم آموزش بر عهده خانواده است. مواردی که باید خانواده‌ها درباره فراهم آوردن زمینه‌های لازم آموزش قرآن به آن‌ها توجه کنند، در مقدمه هر یک از کتاب‌های درسی دانش‌آموزان آمده است. خوب است مدیران مدارس و معلمان و دبیران قرآن در آموزش اولیای دانش‌آموزان تلاش بیشتری از خود نشان دهند.

## ۷- تفکیک آموزش‌های عمومی قرآن و فعالیت‌های تخصصی و فوق برنامه از یکدیگر

حوزه‌های علمی، سازمان صدا و سیما، نهضت قرآن آموزی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی و وزارت آموزش و پرورش باید به این نکته توجه کنند که متأسفانه روند فعالیت‌های قرآنی به جای عمومی شدن به سوی تخصصی شدن حرکت می‌کند و این در حالی است که روز به روز شاهد این مسأله هستیم که ارتباط عموم مردم با قرآن کمتر و کمتر می‌شود.

البته این مطلب به معنای آن نیست که نباید فعالیت‌ها تخصصی شود بلکه باید توجه شود که فعالیت‌های تخصصی هم باید روز به روز ساده تر و عمومی‌تر شود. به ویژه مراکزی که در این زمینه مسئولیت اصلی و مستقیم را دارند باید در اهداف و روش‌ها تجدیدنظر کنند.

## ۸- آیا می‌شود قرآن کریم را فهمید؟

قبلاً چنین گفیم که علت دوری مردم از قرآن این نیست که افراد با قواعد روخوانی و روان‌خوانی آشنا نیستند، بلکه اشکال در این است که اصولاً افراد با قرآن مانوس نیستند. در این جا پرسشی پیش می‌آید و آن این است که چرا آنان با قرآن مانوس نیستند؟ پاسخ بسیار ساده است زیرا مردم قرآن را نمی‌فهمند. پرسش دیگر این که آیا می‌شود قرآن را فهمید؟ پاسخ این است که «قطعاً بله».

بنا بر بررسی‌های انجام شده در مجموعه کتاب‌های گوناگون دوره ابتدایی مانند فارسی، دینی، تاریخ، علوم و... حدود پانصد لغت قرآنی آمده است. مثل: کتاب، قلم، نور، ظلمات، سلام، حمد، وقت، بشر، علم، عمل، الا، خلق، مؤمن، صالح، کافر، اصحاب، مثل، مثل، قوم، رحمت، عذاب، حق، ظلم، خالق، دنیا، آخرت، عالم، عالم، قیامت، صاحب، درجه، شدید، رسول، وسیله، قوم، صبح، خیر، شر، مسجد، مبارک، جاهل، داخل، خارج، اول، آخر، شک، یقین، انسان، رعد و برق، عاقل، مجنون، ذره، عظیم، جبال، شهید، نعمت، ثمر، صبر و...

همچنین بر پایه بررسی دیگری قرآن کریم دارای حدود ۷۸۰۰۰ کلمه است که ۶۷۰۰۰ کلمه آن تکرار ۱۱۰۰۰ کلمه است. ۱۰۰۰ کلمه ای که بیشترین تکرار را دارد و بیش از ۷۵ درصد از کل قرآن را شامل می‌شود. از این تعداد کمتر از ۴۰۰ کلمه که بیشترین تکرار را دارند در کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره راهنمایی آمده است که حدود بیش از ۵۰ درصد از کل قرآن را شامل می‌شود. درک معنای آیات و عبارات ساده و پرکاربرد راه کاری بسیار مناسب است که اولین نتیجه آن انس همیشگی فرد با قرآن کریم است. همان که در نهج البلاغه امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «ما جالس هذا القرآن الا قام عنه بزيادة او نقصان، زیاده فی هدی و نقصان من عمی» (هم نشین نشد با قرآن مگر کسی که از کنار آن برخاست با یک افزونی و با یک کاستی افزونی در هدایت و کاستی در نادانی).

در زمینه امکان فهم قرآن کریم مقام معظم رهبری در رمضان ۸۶ فرمودند: «این کلماتی که شما ملاحظه می‌کنید، همان چیزهایی است که خداوند متعال به عنوان آخرین ذخیره معنوی وحی الهی به بشریت عطا کرده است. اینها را باید فهمید.

متأسفانه ما حجاب زبانی داریم، حجاب لغوی داریم؛ این کمبود ماست. یعنی کمبود ملتهای غیر عرب است. این حجابی است که ما داریم و قابل حل هم هست. نبادا کسی خیال کند حالا چه کار کنیم، نمی‌شود؛ نخیر، این کاملاً قابل حل است. بسیاری از کلمات و لغات قرآنی در زبان فارسی متداول ما تکرار شده است و ما می‌فهمیم. مثلاً فرض بفرمایید: «و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين». این آیه شریفه را اگر نگاه کنید، از لغات این آیه، آنچه کهک فارسی‌زبان نفهمد، فقط دو سه تاست، و الا بقیه لغات را می‌فهمد.

حالا مثلاً «لنبلونکم» را باید برایش معنا کنند، اما «شیء» را می‌دانند یعنی چه. خود شما شیء، اشیاء را به کار می‌برید. «خوف» را می‌دانید چیست، «جوع» را می‌دانید چیست، «نقص» را می‌دانید چیست، «اموال» را می‌دانید چیست، «انفس» را می‌دانید چیست، «ثمرات» را می‌دانید چیست. اینها چیزهایی نیست کهک فارسی‌زبان اینها را نفهمد.»

در این زمینه آموزش و پرورش پیشگام است و سال‌هاست که این کار با همت مولفان کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره‌های گوناگون تحصیلی درحال انجام است کتاب‌های قرآن دوره راهنمایی منبع بسیار مناسبی در این رابطه برای تشنگان زمزم زلال وحی است.

## ۹- مناسب سازی رسم الخط قرآن کریم

بی تردید از عوامل اصلی عدم انس همیشگی اغلب مردم با قرآن کریم دشواری رسم الخط‌های رایج است. کشور ایران از معدود کشورهای است که کتاب شریف قرآن با رسم الخط‌های متعدد وجود دارد. این تعدد و تکرار از یک سو و استاندارد نبودن این مصاحف از نظر متناسب‌سازی با معلومات قاطبه مردم از سوی دیگر باعث شده است تا مخاطب رفته رفته به دلیل وجود غلط‌های فراوان در تلاوت قرآن، انگیزه لازم را از دست داده و از خواندن آن طفره رود، حال آن که بسیاری از این غلط خواندن به شیوه کتابت برمی‌گردد.

وجود اعراب اضافی در رسم الخط‌ها مانند حرکات کوتاه و کشیده و همزه‌ها و تشدیدها و سکون‌های زاید و معجم باعث آن شده است که در قرآن‌های به خط استاد عثمان طه (مصری) و یا استاد طاهر خوشنویس (خط ایرانی) به طور متوسط در هر صفحه بیش از دویست علامت اضافی وجود داشته باشد که هر یک از آنها برای نادرست خواندن یک کلمه قرآنی کافی است.

خوشبختانه آموزش و پرورش از رسم الخط قرآن ملی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کند این رسم الخط دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و ساده‌ترین و نزدیک ترین خط به زبان فارسی است که تنها علامت‌های ضروری را آورده است. این قرآن شریف توسط مرکز طبع و نشر قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران در ابعاد و اشکال گوناگون چاپ می‌شود.

## ۱۰- جایگاه تربیت قرآنی در آموزش و پرورش کجاست؟

این پرسش جدی با توجه به فرمایش امام خمینی (ره) که فرمودند: «تربیت باید قرآنی باشد.» و «بچه‌های ما باید تربیت قرآنی بشوند.» مطرح می‌شود که: نسبت برنامه‌های درس کنونی با تربیت قرآنی منظور امام خمینی چیست و چگونه می‌توان به این هدف متعالی رسید

شاید به اجمال بتوان گفت تا زمانی که همه کتاب‌های درسی ما مبتنی بر نظریات تعلیم و تربیت اسلامی و یا حداقل بر مبنای نظریه اسلامی تعلیم و تربیت تألیف نشود، مهجوریت قرآن به صورت اساسی از نظام تعلیم و تربیت برطرف نخواهد شد. تا زمانی که به آیات قرآن کریم و روایات ائمه هدی علیهم السلام به چشم حداقل معادل و مثنایک نظریه علمی نگاه نمی‌شود، چه انتظاری می‌توان از محصول نهایی علوم گوناگون داشت؟ علوم می که «هو الاول» و «هو الآخر» آنها افتاده و به قول استاد جوادی عاملی: «لاشه علم در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود.»

امید است با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری درباره تحول اساسی در آموزش قرآن در کل پیکره آموزش و پرورش، در آینده نزدیک شاهد تحقق منویات معظم له باشیم. انشاءالله

در پایان از همه خوانندگان و به ویژه دست اندرکاران حوزه فعالیت‌ها قرآنی خواهشمندم با توجه به اهمیت و جایگاه بالای قرآن، به خود اجازه ندهیم که غیرکارشناسانه درباره دیگر فعالیت‌ها و برنامه‌های قرآنی اظهار نظر کنیم. هر کس با توجه به تخصص خود و با رعایت شأن و جایگاه منبع قرآن در جامعه اسلامی اقدام به نقد کنیم. نقد کنیم و تحمل نقد هم داشته باشیم و یا دست‌کم وانمود کنیم که نقد پذیریم اما نقدی سازنده و رشد دهنده و در عین حال منصفانه، نه نقدی مخرب که می‌تواند مثل سیلی یافته‌های پر زحمت و ارزشمند را یک شبه پایمال کند.